

## بربت نام کهن عود

بربت باتنه گلابی شکل و یا کشکولی و دسته پیوسته از خانواده ساز هائی بشمار میآید که اصالت شرقی آنها مورد تأیید اهل فن میباشد.<sup>۱</sup>

۱ - « بیشبه همه سازهائی که کاسه خمیده دارند دارای اصالت شرقی می- باشند. بخصوص سرمنشا، نمونه برجسته آنها که به برش طولی گلابی مشابهت دارد، به هند و ایران قدیم و کشورهای متأثر از تمدن آنها کشیده میشود. مادامیکه تارهای این ساز گلابی شکل بوسیله مضراب و یا سرانگشت نواخته میشود، ممکن است بهنزه صورت متقدم عود تلقی شود و هنگامیکه اعراب کمانه را از ایرانیان اخذ کردند و بآن افزودند، خانواده تازه ای پدید آمد، که بعدها در اروپا به رباب و سپس به ربك موسوم گردید »

دائرة المعارف بریتانیا - ذیل Lute

از اشارات خاقانی میتوان حدس زد که بربت در نیمه دوم قرن ششم نیز گاه بازخمه و گاهی باکمانه نواخته میشد:  
مطربان از زبان بربت گنگ  
زخمه را ترجمان کنند همه

بربط از بس چوب کز استاد خورده طفل وار  
ابجد روحانیان بین، از زبان انگیخته  
سخن دوره سوم ص ۵۴، وصف آلات موسیقی

اما برت از نظر تاریخ سازشناسی ، دارای اهمیت ویژه ایست ، چه برت قدیم هم مانند تنبور بازخمه ( و یا سرانگشت ) وهم مانند رباب با کمانه نواخته میشد و از اینرو در تاریخ تبدیل و تحول سازها ، بمنزله حلقه واسطه ایست که این دو گروه از سازهای زهی را بهم پیوند میدهد.

وانلد بولج در مقاله خود<sup>۱</sup> ادعا میکند که هشتصد سال پیش از میلاد نواختن نوعی برت کوتاه در ایران متداول بوده ، هرچند منبع این اطلاع برای ما مجهول است ولی اصالت ایرانی برت از طرف صاحب نظران غرب مسلم شناخته شده است.

فرهنگ بریتانیا در این باره مینویسد : « برت يك ساز کهن زهی است که ما از راه متون قدیم یونان و رم بانام آن آشنا هستیم ولی ایران مأخذ اصلی این ساز بشمار میآید.»

متأسفانه بعلمت مفاک ژرفی که از لحاظ سرود و موسیقی در تاریخ هنر هخامنشی و اشکانی دهان باز کرده ، ناگزیریم از قرن هشتم پیش از میلاد به سده هفتم میلادی گریز بزیم زیرا پس از گذشت این زمان طولانی تنها منبع دست اولی که اندک اطلاعی بدست میدهد ، يك رساله پهلوی است که شاید در حدود همین قرن تألیف شده و از برت در شمار سازهای متداول دوره زرین موسیقی ساسانی ( زمان خسرو اول و یادوم ) نام میبرد.

البته کربستن سن از همین منبع ساز دیگری معرفی میکند نامزد به عود بلند ( پهلوی : دار )<sup>۲</sup> که بیگمان من اشتباه محض است و بیشک لغزش استاد از اینجا ناشی شده که جمشید مانگجی انوالا پهلوی دان زرتشتی در ترجمه کتاب به انگلیسی ، «دار بازی» را نوازنده عود معنی کرده ، در صورتیکه معنی درست کلمه باید « بازی باشاخه درخت » باشد ( که یکی از چشمه های بازی و نمایش لولپها بوده است ).

درباره قرائت این کتاب که اصل آن به پهلوی است و ترجمه آن ، گفتنی

۱ - روزگار نو ج ۵ شماره ۴ . بعضی از آلات موسیقی شرقی غربی .  
۲ - نگاه کنید به مجله موسیقی ، شماره ۶ دوره سوم - مقاله نکته هائی از

موسیقی ساسانی .



بسیار است<sup>۱</sup> ولی گمان میکنم در اینجا فقط مناسب باشد بیک نکته - نکته اساسی این مقاله - پردازم:

بنا برشواهد عود اصولاً نام نوعی چوب بوده و اطلاق آن به برت از راه مجاز و یک نوع استعاره شعری صورت گرفته: یعنی همان چیزی که در مقاله سازهای بلوچی بعنوان یک سنت جاری و پایدار از آن سخن رفته: «در بلوچستان این درخت معروف است به (فاروق دار) و بهمین مناسبت در سرودها سازی را که از این چوب میسازند، (منظور تنبور است) فاروق دار مینامند. یعنی چوب فاروق».

و باز در دنباله مقاله چنین میخوانیم: «در کوهستان، ساریندا (یعنی همان برت) را از چوب درخت شاق میسازند و از این رو، ساریندا را در زبان شعر و سرود بهمان نام شاق اصطلاح میکنند»<sup>۲</sup>  
اکنون جبراً این سؤال پیش میآید: آیا در مورد نامگذاری برت به عود از یک سنت بومی قدیم پیروی نشده است؟<sup>۳</sup>

بهر تقدیر، نیاز بیادآوری است که گرچه واژه عود، در ظاهر صورت معرب بخود گرفته است، از نظر زبانشناسی هیچگونه پیوندی با زبان و نژاد

۱ - در «دیباچه خنیاگری» بتفصیل بحث خواهد شد.

۲ - نگاه کنید به مجله موسیقی شماره ۷۴-۷۳ ص ۶۲ و ص ۶۳

۳ - «عود... و آن چوبی باشد سیاه رنگ که بجهت بخور سوزانند. گویند عود بیخ درختی است که آنرا میکنند و در زیر زمین دفن میکنند تا تغییر دروی پدید آید و عود خالص گردد».

برهان قاطع

«عود: سازی است که نام دیگرش برت و از اقسام تار است».

فرهنگ نظام

«از نویسندگان یونانی چنین برمیآید که برت با «لیر» نقشهای مشترکی داشته ولی از ایرانیان و اعراب میتوان دریافت که این ساز از نوع عود یا رباب بوده است. ربرت فلود در تاریخ موسیقی (۱۶۱۷) تربو Theorbo یا عود بم را برت باستانی معرفی میکند».

نقل بمعنی از دائرة المعارف بریتانیا

عرب ندارد، بلکه ریشه آنرا - مانند اصل چوب عود - در سرزمین هند باید جستجو کرد.<sup>۱</sup>

حالا که در قدمت ایرانی بر بت و نیز یکی بودن اصل بر بت و عود جای شبهه نیست باید دید چرا «بربط» با این شکل عربی نما وارد کتابت فارسی شده است؟

بموجب يك عقیده جاری، «بربط» از آنرو باین نام خوانده شده که بدنه ساز به تن و «بر» مرغابی (یا بط) شبیه بوده است! (این عقیده گذشته از آنکه در غالب واژه نامه های فارسی بچشم میخورد، در مقاله تحقیقی دکتر فارمر نیز منعکس شده در حالیکه خود او در همان مقاله به سابقه کهنسال این نام در ایران و یونان اشاره میکند.)<sup>۲</sup>

درست معلوم نیست که این ریشه شناسی عامیانه موجب پیدایش «بربط» باین شکل شده یا بعکس؟ ولی از آنجا که در متون پهلوی باتاء فارسی ضبط شده، هیچگونه محتملی برای رسم خط جاری وجود ندارد.

در اینجا بد نیست به سیر و سفر تاریخی بر بت اشاره ای نموده سخن را

---

۱ - انگلیسی: Indian Aloe tree - Calambac tree

فرانس: Bois d'aloë - Bois de calambac

عربی: عود - عود هندی

فارسی: عود - عود هندی

واژه نامه گیاهی - دکتر اسماعیل زاهدی

دکتر محمد معین درباره ریشه لغت مینویسد:

«اگر هندی. رادبوی - داربوی. آلمانی Alöe. فرانسه Aloës»

چنانکه میدانیم رود نام دیگر بر بت است. باید یادآور شد که اگر این واژه از اصل رادبوی هندی نباشد، قطعاً يك نام مجازی است و زمانی روی بر بت افتاد که زدهائی از روده بجای تارهای ابریشم تعبیه شد.

«نام سازی است و بمعنی روده کوسفند باشد و تاری که بر روی سازها کشند.»

(برهان قاطع)

۲ - روزگار نو ج ۲ شماره ۲ - مقاله تأثیر و نفوذ ایران در تعبیه آلات

موسیقی بخامه دکتر ه. ج. فارمر



کوتاه کنم: نخستین بار، بریت، در دوره های باستانی از راه آسیای صغیر به یونان و از آنجا تحت نام Barbiton یا Barbitos به روم و سایر کشور های غرب راه جست. و قرن ها بعد از آن توسط فاتحان مسلمان بود که «العود» و «البریت» و تربو (تار بم - Bass Lute) و چیتارن (چهارتار) از راه شمال آفریقا و اسپانیا، بار دیگر در میان ملتهای اروپائی متداول گردید.<sup>۱</sup>

## ایرج ملکی



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی

۱- دائرة المعارف بریتانیا خانواده کامل بریت و عود را چنین معرفی مینماید:

«... تمبور (یا پاندورا) : زیر (treble) عود ؛ معتدل (tenor) یا

(alto) بریت یا تربو؛ بم و چیتارن Chitaron فوق بم ...»